

مدائن

مدخل «مدائن» از *دانشنامه اسلام (لایدن)*^۱

نوشته م. استرک و مایکل گک. مورونی

Al-Madā'in

M. Streck & Michael G. Morony
Encyclopédie de l'Islam (Leiden)

Translated by

Somayeh Hamidi

M. A. Graduate, Iranology
University of Tehran



مترجم:

سمیه حمیدی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ایران‌شناسی
دانشگاه تهران

مدائن به معنای شهرها (جمع شهر)، ترجمه عربی از کلمه آرامی ماحوزه^۲ یا مدینا^۳، کلان‌شهری متعلق به دوره ساسانی است که در کرانه رود دجله، سی کیلومتری جنوب شرق بغداد کنونی قرار گرفته است؛ چندین شهر مجزا که در امتداد دو ساحل رودخانه گسترش یافته بودند، و توسط پلی از قایق به یکدیگر متصل می‌شدند. این منطقه، پایتخت اداری شاهنشاهی، اقامتگاه زمستانی پادشاه، و محل اقامت رأس‌الجالوت یهودیان و جاثلیق مسیحیان نسطوری بود. در میان جمعیتی مختلط از آرامی‌ها، ایرانی‌ها و یونانیان؛ یهودیان، مسیحیان و زردشتیان نیز بودند. مناطق مسکونی، صنعتی و تجاری این کلان‌شهر، سرشار از کاخ‌ها، ویلاها، پارک‌ها، باغ‌ها، ساختمان‌های تشریفاتی، بناهای تاریخی و زمین‌های خالی از سکنه بود.

[...] تیسفون قدیمی‌ترین شهر [از این شهرها] در سده یکم پیش از میلاد توسط اشکانیان بر روی کرانه شرقی ساخته شده بود و «شهر کهن» (عربی: المدینة العتیق) نامیده می‌شد؛ در آنجا اقامتگاه قدیمی سلطنتی، کوشک سفید (عربی: قصر الأبيض)، قرار داشت و این شهر مرکز اداری محلی بود. در همان نزدیکی، منطقه مسکونی اسپانبر^۴ در پایان دوره ساسانی شکل گرفته و البته بدون محاصره دیوارها در طول تاریخ گسترش فراوانی یافته بود. در آنجا بود که تالاری بزرگ باشکوه (ایوان کسری)، یک مجموعه کاخ، یک حمام، یک خزانه؛ و شاید یک ضرابخانه، یک شکارگاه و اصطبل‌هایی ساخته شد. پنج کیلومتر دورتر، خسرو اول در سال ۵۴۰ م شهر وه‌آندیوک خسرو^۵ (عربی: الرومیه) را تأسیس، و در آنجا اسیرانی که در انطاکیه سوریه گرفته شده بودند را

1. dx.doi.org/10.1163/9789004206106_eifo_SIM_4725

2. Māhōzē

3. Medīnāthā

4. Aspānbur (فرانسوی); Aspanbar (انگلیسی); Asbanabr (آلمانی)

۵) انطاکیه خسرو؛ رومگان (Rumagan)؛ Veh Antiokh-i Khusraw (فرانسوی)؛ Weh Andioq-Husraw (انگلیسی).

زندانی کرد. این شهر که زمین مسابقه اسب‌سواری و حمام مخصوص خود را داشت، در اواخر قرن ششم میلادی، به‌صورت یک مرکز اداری محلی با سی‌هزار نفر جمعیت درآمد‌بود.

حدود ۲۳۰م در کرانه غربی، شهر دایره‌مانندی توسط اردشیر اول به نام وه‌اردشیر ساخته شد که عرب‌ها به آن به‌رسیر و یهودیان ماحوزه و مسیحیان کوخه می‌گفتند. بافت جمعیت آن عمدتاً تجاری و صنعتی بود؛ در غرب دجله، یک مرکز اداری محلی بود که ضرابخانه خود را داشت و در آنجا کلیسای جامع جاثلیق قرار گرفته‌بود. یهودیان ثروتمند بسیاری در این شهر ساکن بودند، همچنین این شهر محل اقامت رأس الجالوت بود؛ اما بخشی از شهر در قرن ششم رها شده‌بود. سابطاً تقریباً در پنج‌کیلومتری جنوب وه‌اردشیر، که پل طاق‌زده بین نهرالملک و دجله را در بر دارد، گاهی اوقات در پهنه کلان‌شهر در نظر گرفته می‌شود.

در ماه صفر سال ۱۶ق/ مارس ۶۳۷م، زمانی که مدائن به دست عرب‌ها افتاد؛ خانواده سلطنتی ساسانی، اشراف و ارتش گریختند. چندین سرباز به اسارت گرفته و خزائن سلطنتی به میزان زیادی غارت شدند. ساکنین کوشک سفید با سعد بن ابی‌وقاص در ازای پرداخت جزیه، پیمان صلحی امضا کردند، و این شرایط در مورد جمعیت باقی‌مانده شهر نیز اعمال شد تا جایی که ساکنین الرومیه جداگانه با عرب‌ها قرارداد صلح امضا کردند. سعد کوشک سفید را اشغال کرد و ارتش خود را در منازل خالی اسکان داد. هنگامی که نیروها می‌رفتند در مقرهای دائمی خود در کوفه مستقر شوند، درهای خانه‌هایشان در مدائن را با خود بردند.

جمعیت بومی بلافاصله پس از فتح، نسبتاً ثابت ماند. در سال ۳۷ق/ ۶۵۷م دهقانان (اشراف) ایرانی، رأس‌الجالوت و جاثلیق‌ها در آنجا ماندند و در انتهای سده اول ق./ ابتدای سده هشتم م.، این منطقه مرکز مانویان نیز محسوب می‌شد. تغییر عمده، جایگزینی طبقات برتر ساسانی با بخش کوچکی از عرب‌های مسلمانی بود که از کوفه آمده‌بودند (سیصد سوارکار در ۴۳ق/ ۶۶۳م، هزار سوارکار در ۶۷ق/ ۶۹۵م) که توسط اشراف کوفی رهبری می‌شدند. رهبران قبایل آزد و مسلمانان در اولین ساعتی که زنان شهر را به ازدواج خود درآوردند، به اموال (زمین‌های) آنها دست یافتند. مسجد بزرگ مسلمانان در شهر کهن (المدينة العتیق) واقع بود.

در ابتدای دوره اسلامی، مدائن کلید قلمرو کوفه محسوب می‌شد، چراکه جاده اصلی به سمت شرق را کنترل می‌کرد و مرکز اداری منطقه دیاله تحت نظر دولت کوفه بود. سلمان فارسی که در زمان خلافت عثمان در مدائن از دنیا رفت (۲۳-۳۵ق/ ۶۴۴-۶۵۶م)، یکی از اولین امرای این منطقه بود؛ حذیفه بن الیمان، اولین مأمور مالیاتی مدائن در زمان خلیفه دوم، عمر، نرخ مالیات را برای دیاله تعیین کرد. او در سال ۳۶ق/ ۶۵۷م در مدائن از دنیا رفت. با این حال، فرمانروایان قدیمی‌تر شهر اغلب هم‌زمان به امور نظامی، فرهنگی و مالی می‌پرداختند و در کوشک سفید اقامت داشتند. شهر کهن همچنین ضرابخانه‌ای داشت که درهم‌های زمان امویان بعد از اصلاح پول، در آن ضرب می‌شد.

مسلمانان مدائن در نتیجه روابطشان با کوفه، طرفدار خاندان علی و ضد خوارج بودند. سعد بن مسعود،

(۶) بلاش‌آباد؛ Valashabad (انگلیسی)؛ Vologasias (آلمانی).

فرماندار تحت خلافت علی^(ع) (۳۶-۴۰ ق/ ۶۵۶-۶۶۰ م) در سال ۳۷ ق/ ۶۵۷ م از شهر در برابر خوارج دفاع کرد. در سال ۴۱ ق/ ۶۶۱ م حسن بن علی از کوفه خارج و پیش از انعقاد توافق خود با معاویه، در کوشک سفید ساکن شد. در سال ۴۳ ق/ ۶۶۴ م، سیماک، فرماندار شهر، مانع عبور خوارج المستورد از بهر سیر به سمت شهر شرقی شد. مسلمانان مدائن از خاندان علی در طول فتنه دوم حمایت کردند و در سال ۶۵ ق/ ۶۶۴ م، سعد بن حدیفه که مدتی طولانی قاضی بود، به تواین به رهبری سلیمان بن صرد با ۱۷۰ شیعه کوفی که در مدائن بودند، پیوست. شیعیان این شهر هنگامی که خوارج آزارقه آنها را غارت و جمعیت مسلمانان را در ۶۸ ق/ ۶۸۷ م قتل عام کردند، با عواقب حزبی‌نگری خود مواجه شدند. شیب [از خوارج] نیز در سال ۷۶ ق/ ۶۹۶ م این شهر را اشغال کرد. در قرن دوم ق. / هشتم م.، شیعیان مدائن از افراطیون (غلات) بودند. در همانجا بود که فرقه حارثیه، که معتقد بود هر کسی که امام را می‌شناسد، می‌تواند به میل خود عمل کند، تأسیس شد. این فرقه از قیام علویان در سال ۱۲۶ ق/ ۷۴۴ م حمایت کردند. افراط‌گرایان اسحاقیه نیز در قرن ۴ ق/ ۱۰ م در آنجا بودند.

اگرچه منصور موقتاً در سال ۱۳۷ ق/ ۷۵۴ م در الرومیه -جایی که ابومسلم کشته شد- ماند؛ اما مدائن اهمیت سیاسی و تجاری خود را بعد از تأسیس شهر بغداد در ۱۴۵ ق/ ۷۶۲ م از دست داد. مهمترین بخش جمعیت، جاثلیق و رأس‌الجالوت در پایتخت جدید ساکن شدند. بخشی از کوشک سفید توسط منصور تخریب شد و علی‌رغم دستور بازسازی آن در سال ۱۵۸ ق/ ۷۷۵ م، به‌صورت خرابه باقی ماند. تخریب توسط المکتفی (۲۸۹-۲۹۵ ق/ ۹۰۲-۹۰۸ م) در سال ۲۹۰ ق/ ۹۰۳ م به پایان رسید و مصالح آن در ساخت کاخ تاج در بغداد به کار برده شد. در سده سوم ق. / نهم م.، اهمیت مدائن بیشتر در بخش کشاورزی بود. [این شهر] قاضی مجزا نداشت و منصب قضاوت آن با بغداد و سایر شهرها مشترک بود. در این دوره، مقبره‌های سلمان، نزدیک ایوان و حدیفه نزدیک رودخانه در شهر اسپانبر ساخته شد. در قرن چهارم ق. / دهم م.، الرومیه از بین رفته بود، اما بخشی از شهر در کرانه شرقی، با ساختمان‌های آجری، بازارها و دو مسجد بزرگ، حومه بغداد را تشکیل می‌داد، در حالی که آتشکده‌ای بزرگ در کرانه غربی باقی مانده بود.

در سده‌های ششم و هفتم ق. / دوازدهم و سیزدهم م.، همچنان شهری کوچک در کرانه شرقی وجود داشت. ساکنان خود شهر امر قضا را بر عهده داشتند و مقبره سلمان پانزدهم شعبان هر سال توسط اهل سنت و در زمان‌های مختلف توسط شیعیان زیارت می‌شد. در کرانه غربی، روستایی متعلق به شیعیان امامیه وجود داشت، و سکه‌های یافت‌شده در تل بارودا^۷ نشان می‌دهند که بهر سیر تا سده هفتم ق. / سیزدهم م. همچنان پابرجا بوده؛ این شهر کوچک تا سده‌های هشتم و نهم ق. / چهاردهم و پانزدهم م.، مرکزی شیعی باقی ماند.

مقبره سلمان توسط سلطان مراد چهارم (۱۰۳۲-۱۰۴۵ ق^۸ / ۱۶۲۳-۱۶۴۰ م) بازسازی شد و مجدداً در سال ۱۹۰۴-۱۹۰۵ م. مورد تعمیر قرار گرفت. روستای سلمان‌پاک که در دوره اخیر اطراف مقبره ساخته شده، دارای کاروانسراهایی است برای اقامت زائران شیعه؛ زمانی که بخواهند دیگر مقابر عراق را زیارت کنند.

در تاریخ ۲۲-۲۳ نوامبر ۱۹۵۱ م در نبرد تیسفون، ترک‌ها با توقف پیشروی به سمت بغداد بر روی خطی از شرق ویرانه‌های ایوان کسری، ارتش آنگلو-هندی به فرماندهی ژنرال تاونزند^۹ را شکست دادند.

7. Tall Baruda

۸ سال درگذشت سلطان مراد چهارم ۱۰۴۹ ق است و نویسنده اشتباه کرده است.

9. Townshend